

# طوفان الاقصی و افول قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا

محمد علی صدیقی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل

با شروع عملیات طوفان الاقصی و ورود آمریکا به عنوان یکی از بازیگران مهم در این تحولات و حمایت های بی دریغ از رژیم صهیونیستی، چالش های زیادی را برای این کشور به وجود آورده است. این کشور از بازوی قدرت هوشمند خود بهره برد تا به نوعی بتواند به این منازعات پایان داده و صلح و ثبات را به منطقه بازگرداند، اما نه تنها موجب سیاه شدن چهره قدرت نرم آمریکا در عرصه بین المللی شد، بلکه طبق گزارش فارت پالیسی، پس از عملیات طوفان الاقصی، بیش از صد حمله به نیروهای آمریکایی در سراسر منطقه صورت گرفت که موجب تاثیر منفی بر قدرت سخت آمریکا شد؛ لذا در این یادداشت چگونگی افول قدرت هوشمند آمریکا در پی وقوع عملیات طوفان الاقصی مورد بررسی قرار گیرد.

## قدرت

در مواجهه با بحران‌ها و تنش‌های اخیر منطقه خاورمیانه و دریای سرخ، ایالات متحده که در نظام پساجنگ سرد، نظم نوین جهانی را مطرح کرد و خود را به عنوان ابرقدرت معرفی کرده و تأمین صلح، ثبات و امنیت در جهان را از کارویژه‌های خود می‌داند، از ابزارهای مختلفی برای مدیریت این بحران‌ها استفاده کرده است.

قاعدتاً مهم‌ترین ابزاری که در مدیریت و کنترل این تنش‌ها و بحران‌ها نقش آفرینی می‌کند، عنصر قدرت است. قدرت یکی از مفاهیم و وجوه اساسی در روابط بین‌الملل بوده و به معنای توانایی پیروزی در منازعه و غلبه بر موانع است. از مهمترین نظریه پردازان حوزه قدرت، جوزف نای، استاد دانشگاه هاروارد است که ابتدا قدرت را به دو دسته قدرت سخت و قدرت نرم تقسیم بندی کرد. قدرت سخت، توانایی دستیابی به نتایج دلخواه و مطلوب از راه اجبار و پاداش است و در این راه، عمدتاً منابع مادی و سختی همچون منابع اقتصادی و نظامی را در اختیار دارد؛ تحریم اقتصادی، جنگ و تهدیدات نظامی از جمله راهکارهای قدرت سخت برای حل مسائل است. از طرف دیگر، قدرت نرم به توانایی شکل دهی به اولویت‌های دیگران به منظور اینکه آنچه را که شما می‌خواهید بخواهند، متکی است و در کل قدرت نرم به معنای کسب نتایج دلخواه به وسیله جذب دیگران است، نه تحریک شان به انگیزه‌های مادی یا اجبارشان برای انجام کاری. (Nye, 2004)

## قدرت هوشمند

بعد از جوزف نای، نوع سومی از قدرت را وارد ادبیات روابط بین‌الملل کرد که از آن تحت عنوان قدرت هوشمند یاد می‌شود که میان دو عنصر قدرت سخت و نرم توازن برقرار می‌کند. به گونه‌ای که گاهی قدرت سخت و قدرت نرم یکدیگر را تقویت می‌کنند و گاهی با هم تداخل می‌یابند. در حقیقت، قدرت هوشمند به مفهومی در روابط بین‌الملل اطلاق می‌شود که بر استفاده از قدرت سخت و قدرت نرم در دستیابی به اهداف بین‌المللی تأکید دارد. این موضوع بیان می‌کند که کشورها نباید برای دستیابی به اهداف خود صرفاً به قدرت نظامی متکی باشند، بلکه در عوض از ترکیبی از این ابزارها برای به حداکثر رساندن اثربخشی و چانه زنی خود استفاده کنند. ایده اصلی قدرت هوشمند این است که استفاده از تنها یک نوع قدرت ممکن است همیشه به موفقیت منجر نشود، به خصوص اگر پیامدهای منفی ایجاد کند یا متحدان بالقوه را از خود دور کند. قدرت هوشمند تشخیص می‌دهد که اغلب برای دستیابی به نتایج دلخواه، یک رویکرد ظریف‌تر که از نقاط قوت هر نوع قدرت استفاده می‌کند، ضروری است. در نهایت، قدرت هوشمند به جای درگیری و اجبار به دنبال ارتقای ثبات و رفاه از طریق همکاری و دیپلماسی است. (Nye, 2010)

دیوید هیوم در بیش از دو قرن پیش گفته است که هیچ فردی به تنهایی به اندازه کافی قوی نیست که بتواند همه افراد دیگر را مجبور به انجام کاری کند. شخصیتی همچون هیتلر را می‌توان در این مورد مثال زد؛ شاید اکثریت افراد، آدولف هیتلر را با قدرت نظامی



وزیر رژیم صهیونیستی و سپس آغاز سلسله سفرهای دیپلمات‌های آمریکایی به کشورهای مختلف منطقه برای حل منازعات بودیم.

باید این مسأله را در نظر داشت که ایالات متحده، حفظ حاکمیت و امنیت رژیم صهیونیستی را در اولویت‌های خود می‌داند و مقابله با دشمنان و مخالفین این حکومت و عادی‌سازی روابط آن با اعراب و دولت‌های منطقه را در جهت حل این بحران، ضروری می‌داند. حمایت‌های تسلیحاتی، مالی و وتوی تمامی قطعنامه‌های ضد اسرائیلی در شورای امنیت از جمله این موارد است.

پس از سفر دیپلمات‌ها و مقامات ارشد سیاسی و امنیتی ایالات متحده به منطقه و جستجو برای یک راه حل اساسی جهت حل این بحران، دومین مقوله مهم که در حوزه قدرت نرم آمریکایی موثر بود، فشار

و صنعتی آلمان بشناسند، اما شخص اقتدارگرایی همچون هیتلر نیز نیاز دارد که درجه‌ای از قدرت نرم را در دایره درونی حکومت خود داشته باشد.

اما موضوع اصلی این یادداشت، بررسی قدرت هوشمند ایالات متحده در واکنش به رخداد‌های اخیر در خاورمیانه و به طور خاص تحولات در فلسطین اشغالی و دریای سرخ است.

از مهمترین مولفه‌های قدرت نرم می‌توان به ارزش‌های سیاسی، ارزش‌های فرهنگی و سیاست خارجی اشاره کرد. قاعدتاً حول این تحولات، سیاست خارجی نقش آفرینی دقیق‌تری در حل مسائل دارد.

از همان روزهای آغازین عملیات طوفان الاقصی و حمله نیروهای حماس به مرزهای رژیم صهیونیستی، شاهد سفر آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا به فلسطین اشغالی و دیدار وی با نتانیاهاو، نخست

کنگره و به خصوص نمایندگان ترقی خواه به دولت آمریکا در خصوص فشار بر اسرائیل در خصوص آتش بس و بازگشایی گذرگاه های مهم مانند رفح برای نجات جان مردم غزه بود.

دو طرح مهمی که آمریکایی ها در بحران های منطقه در نظر دارند، شامل موارد زیر است:

۱. طرح اول، پیگیری طرح دیپلماتیک در زمینه ترویج ایده تشکیل کشور فلسطینی در منطقه خواهد بود. اتفاقی که نیازمند این است که کشور غیرنظامی فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه از سوی آمریکا به رسمیت شناخته شود؛ که این مهم زمانی روی خواهد داد که فلسطینی ها با ایجاد مجموعه نهادها و قابلیت های معتبر دنیا را به این اطمینان برسانند که فلسطین قرار نیست تهدیدی برای اسرائیل به شمار آید؛
۲. دیگر موضوعی که آمریکایی ها به شکل جدی آن را دنبال می کنند، مساله عادی سازی روابط عربستان سعودی و اسرائیل خواهد بود، که البته این هم مستلزم پذیرش روند دیپلماتیک منجر به تشکیل یک فلسطین غیرنظامی به رهبری تشکیلات خودگردان فلسطینی خواهد بود. (Friedman, ۲۰۲۴)

اهدافی که اگر دولت بایدن بتواند به آن ها دست یابد، دستاوردی چنان بزرگ حاصل خواهد آمد که می تواند بزرگ ترین تغییر استراتژیک در خاورمیانه را از زمان پیمان کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ به بعد موجب شود. اما باید اعتراف کرد که همانند اقدامات آمریکا در دوران پس از واقعه یازده سپتامبر و حمله به عراق و افغانستان که به شدت در تنزل قدرت نرم آمریکا نقش داشت، طرح های فوق نیز نمی تواند موجب موفقیت آمریکا در

کنترل بحران های منطقه شود؛ چراکه همزمانی طرح های صلح، حمایت های لجستیکی و تسلیحاتی که از ایالات متحده روانه فلسطین اشغالی می شود، ریاکاری در سیاست خارجی آمریکا را عیان می کند و قدرت هوشمند این کشور را مخدوش می سازد.

در مورد قدرت سخت ایالات متحده در تحولات اخیر نیز باید گفت که در نخستین روزهای پس از حملات ۷ اکتبر حماس، دولت بایدن دو گروه ناو هواپیمابر و یک زیردریایی هسته ای را به خاورمیانه انتقال داد. سپس، هنگامی که درگیری ها بالا گرفت، ایالات متحده هم فعالیت خود را به شکل جدی تردنبال کرد. در اوایل نوامبر، این نبردها به عراق و سوریه و در نهایت به یمن هم کشیده شد. به علت حملات گروه های مقاومت به نیروهای نظامی ایالات متحده در عراق و سوریه، آمریکا حملاتی را متقابلاً به مقرهای گروه های مقاومت و سایت های مهمات ایران در سوریه انجام داد؛ به علاوه در اوایل ژانویه، نیروهای ایالات متحده، فرمانده ارشد یکی از این گروه های شبه نظامی را در بغداد به شهادت رساندند و در اواسط ژانویه، پس از هفته ها حملات انصارالله یمن به کشتی های تجاری در دریای سرخ که مقصدشان رژیم صهیونیستی بود، ایالات متحده، انصارالله را به اخراج در روند امنیت و تجارت بین المللی در دریای سرخ متهم کرد و همراه با انگلستان و با دیگر دولت های اروپایی به علاوه بحرین، ائتلافی تحت عنوان "نگهبانان سعادت" را تشکیل داد که با همکاری ارتش بریتانیا، زنجیره ای از حملات به استحکامات و زیرساخت های حوثی ها در یمن را آغاز کرد.

در سال ۱۹۹۲ بیان کرد، حفظ برتری نظامی در بیشتر مناطق جهان، ممانعت از رقابت میان دیگر کشورها، بازداشتن ظهور حریفان و حفظ صلح به بهایی مقرون به صرفه برای آمریکایی‌ها بود؛ اما دوران تک قطبی بودن به پایان رسیده است. آمریکا در ادامه مسیر، انتخاب‌های دشواری پیش روی خود می‌بیند؛ یا به طور گزینشی صرفه‌جویی کرده، هزینه‌ها و خطرات را کنترل می‌کند و یا براینده برتری جهانی پافشاری می‌کند و درگیر بحران‌ها می‌ماند. در این میان طرح عادی سازی روابط کشورهای منطقه غرب آسیا (عربستان و رژیم صهیونیستی) به بهای چشم‌اندازهای سیاسی برای فلسطینی‌ها تمام شد که طی «ابتکار صلح عربی» در سال ۲۰۰۲ قرار بود به شرط عادی سازی

در نتیجه رخدادهای فوق در منطقه، آمریکا به استقرار نیروها و استحکامات بیشتر در منطقه افزود، اما انجام عمل فوق، نه تنها به ثبات و امنیت منطقه نیانجامید بلکه نیروهای آمریکایی را در معرض خطر بیشتر قرار داد و حمله به نیروهای آمریکایی در مرز اردن و سوریه و کشته شدن سه سرباز آمریکایی که موجب حساسیت در فضای داخلی آمریکا شد، این مسأله را به اثبات رساند.

اخیراً هم در گزارشی که در فارن افرز چاپ شد، به بررسی شکست آمریکا در عملی کردن اهداف راهبردی خود در سیاست خارجی این کشور پرداخته شد. در این گزارش تصریح شده است که منطق سلطه جهانی آمریکا پس از جنگ سرد، چنان که پنتاگون



ایالات متحده با دارایی‌های نظامی و رابطه ممتازی که با رژیم صهیونیستی و برخی دولت‌های عرب منطقه دارد، همچنان یک بازیگر اصلی در منطقه خواهد بود اما انتظار دستیابی به هرگونه توافق بزرگی که به پایان قطعی منازعه اسرائیل و فلسطین بیانجامد، دور از واقعیت‌های خاورمیانه است. در نهایت، این انتظار وجود دارد که نقطه عطف یک تحول بزرگ در حوزه دیپلماتیک، از خود منطقه سرچشمه بگیرد و به آن وابسته باشد. یکی از نمونه‌های این تحول، آشتی بین کشورهای خلیج فارس و ایران و کاهش نقش آفرینی آمریکا در منطقه است.

### منابع

- Friedman, T. L. (2024). A big strategic realignment in the Middle east may be coming. *New York Times*.
- Nye, J. S. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*. Public affairs.
- Nye, J. S. (2010). *The powers to lead*. Oxford University press.
- Schake, K. (2023). *Biden's Foreign Policy Is a Mess*. *Fpreign affair*.

روابط کشورهای عربی با اسرائیل، به یک کشور مستقل تبدیل شود. حذف این چشم‌انداز سیاسی برای فلسطینی‌ها، احتمالاً انگیزه‌ای برای حمله ۷ اکتبر اسرائیل به جنوب اسرائیل قرار گرفت؛ و بدنامی آن تنها عاید آمریکایی‌ها شد. (Schake, ۲۰۲۳)

نتیجه‌گیری

تقلای نظامی و دیپلماتیک آمریکا، نتوانسته موجب اعتماد شود. علاوه بر تضعیف اهرم نظامی واشنگتن که در قضیه کشته شدن سه سربازش در مرز اردن، آسیب‌پذیری آن روشن شد، قدرت دیپلماتیک آن نیز کم‌توان شده و سفرهای مکرر مقامات آمریکایی، به جای نشان دادن قوت عزم واشنگتن، نشان داده که نقش این قدرت تا چه اندازه کمرنگ شده است. آمریکا از طرفی تمام سعی و تلاش خود را به کار بست تا از وقوع بحران در منطقه جلوگیری کند، اما از طرف دیگر تلاش برای حمایت تسلیحاتی و مالی اسرائیل در مقابله با گروه‌های مقاومت دریغ نکرد.

اسرائیل در جنگ روایت‌ها شکست خورد؛ چرا که با بر جای گذاشتن هزاران شهید و مجروح در غزه که عمدتاً غیرنظامی بودند، دست به یکی از جنایات بزرگ و فراموش‌نشده تاریخ زد. به علاوه در حوزه نظامی و استراتژیک، اسرائیل نه تنها نتوانست طبق دکترین دفاعی بن‌گورین خود را از جانب حملات محفوظ دارد، بلکه همزمان در ۴ جبهه عراق، یمن، سوریه و به شکل مقطعی و محدود لبنان، توسط گروه‌های مقاومت مورد حمله قرار گیرد و بدنامی آن مجدداً در میان اعراب شهره می‌گردد؛ و در این راستا باید پذیرفت آمریکا نیز با حمایت‌های بی‌دریغ از رژیم صهیونیستی، در اعمال این رژیم شریک است.